

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ دسمبر ۲۰۱۹

جواسیس تکنوکرات و یا جانیان اخوانی؟

۲

جمعه- ۱۵ قوس ۱۳۹۸ - کابل: یادداشت امروز را نیز به بحث در مورد عنوانی که چند روز قبل بدان پرداخته شد، اختصاص داده ام:

۱- چند روز قبل نگاشتم که امپریالیسم امریکا جهت استقرار و دوام حاکمیت استعماری اش در افغانستان، در دوراهی بس مهمی قرار گرفته که می باید بعد از ۴ دهه دوطرفه کاهگل کردن، یکی را انتخاب نماید: یا جواسیسی را که طی سالیان طولانی به همین منظور در کشور های متروپول از امریکا و انگلیس گرفته تا المان و فرانسه، تربیت شده اند و حاضر اند همه چیز و کشور افغانستان را به فروش برسانند، بر سار کار آورده نگه دارد و یا این که باز هم، به اخوان با تمام سوابق پر از فراز و نشیبش حین ارتباط با امپریالیسم تکیه نموده، دست حمایت بر سر آنها کشیده، عذر جواسیس تکنوکراتش را بخواهد و به انتظار فردا ها امیدوار نگه شان دارد.

۲- این نکته به مانند روز های آفتابی تموز کشور ما کاملاً روشن بود که امپریالیسم امریکا از باند های اخوان فقط تا زمانی استفاده خواهد کرد که پروژه تخریب دشمن ادامه داشته باشد. امری که جواسیس تکنوکرات در انجامش ناکام بودند و حتا در ذهن شان نیز نمی گذشت که بتوانند در موجودیت دو کشور ایران و پاکستان و ارتجاع منطقه، قادر شوند یک حرکتی را با هویت اصلی وابستگی شان علیه حاکمیت مزدوران روس و یا روسها به وجود آورند.

به صورت مثال حتا در تصور "خلیلزاد" ویا "غنی احمدزی" و یا "قیومی" و افرادی از قماش آنها نمی گذشت که در جریان حاکمیت مزدوران روس در افغانستان، در داخل و یا خارج افغانستان نیروئی را سازماندهی و تسلیح نموده، با هویت مشخص خودشان، با شرکت فعال در جنگ علیه روسها و مزدورانش، جای پائی برای آینده شان بنا نمایند.

چه از جانبی افراد معروف به حافظ منافع امریکا مانند "میوندوال" در زمان "داوود" تصفیه شده بودند و از جانب دیگر در اختیار گرفتن و قبولاندن قیمومیت خود بر کسانی که می خواستند از پاکستان علیه روسها فعالیت نمایند، از جانب پاکستان و موافقت صد درصد غرب با آن، و مهمتر از همه بی ریشه بودن افرادی از قماش "غنی احمدزی"، "قیومی" و امثال آنها که امروز از جانب امپریالیسم بر مردم ما تحمیل می کردند، امکان این را مطلقاً از بین برده بود تا جواسیس امپریالیسم بدون نقاب اسلام سیاسی و با هویت اصلی شان، وارد میدان بگردند.

۳- از همین رو وقتی امپریالیسم می خواست حاکمیت را از جنایتکاران و وطن فروشان اخوانی گرفته و به جواسیس خود تقسیم دارد، گذشته از این که حین ایجاد دولت دست نشانده و مستعمراتی دچار مشکل گردید، ۵ سال قبل نیز نتوانست به صورت مستقیم به این کار جامه عمل بپوشاند. در نتیجه اتحاد جواسیس و اخوان را زیر نام "حکومت وحدت ملی" به وجود آوردند. خلاف تصور آنهایی که فکر می کردند و یا فکر می کنند "حکومت وحدت ملی" اتحاد بین "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" و یا اتحاد بین "شونیزم" و "سکتاریزم" است، این حاکمیت اتحاد عملی بین "جواسیس تکنوکرات" با "جانپان اخوانی" بود.

آنچه مهم بود وظیفه ای که این حکومت داشت و "غنی احمدزی" موظف بود آن را انجام دهد. آن وظیفه کنار زدن، سبکدوش ساختن و از رده خارج ساختن تمام سران و شخصیت های معروف اخوان از تمام اقوام افغانستان بود. "غنی احمدزی" در حد توان کوشید از طریق تصفیه های اداری و توطئه های سازمان یافته به وسیله ریاست امنیت ضد ملی در حدی که برایش مقدور بود، رهبران و شخصیت های مشهور اخوانی را از کار برکنار و یا هم به دیار نیستی بفرستد، اما آنچه تحقق یافت، کافی نبود.

ادامه دارد